

ایران درودی، نقاش لحظات اثری

سپیده زرین پناه

روزنامه نگار در سوئد

"نقاش لحظات اثری" عنوان مستندی است از سری فیلم‌های مستند "نامداران هنر و فرهنگ ایران" که به تازگی توسط بهمن مقصدلو درباره زندگی "ایران درودی"، نقاش نامدار و سوررئالیست ایرانی ساخته شده است.

این فیلم در اواخر ماه اکتبر آماده نمایش شده و قرار است به مرور در مراکز مختلف فرهنگی و هنری اروپا و امریکا نمایش داده شود.

مستندسازی درباره چهره‌های ادبی و فرهنگی در کشور ما ایران، سابقه طولانی ندارد. مقصدلو یکی از اندک شمار کسانی است که در این زمینه فعالیت کرده است. وی علاوه بر فیلم یاد شده، درباره سه هنرمند و نویسنده دیگر نیز فیلم ساخته است: اولی "اردشیر محمص و صورتک‌هایش" در سال 1972، دومی "احمد شاملو: شاعر بزرگ آزادی" البته در مقام تهیه‌کننده در سال 1998 و سومی "احمد محمود، نویسنده انسان‌گرا" در سال 2004.

این فیلمساز این روزها سرگرم تدوین چهار فیلم مستند است درباره زنده‌یاد "فرخ غفاری" (ایران‌شناس، منتقد و فیلمساز)، "ناصر ملک‌مطیعی" (بازیگر)، "مهرانگیز کار" (حقوقدان، پژوهشگر و فعال حقوق بشر) و "هوشنگ کاوسی" (منتقد و فیلمساز). او همچنین قصد دارد سپس ساخت فیلم مستند "اسفندیار منفردزاده" (آهنگساز فیلم) را شروع کند.

فیلم مستند و بخصوص مستند فرهنگی، مخاطب خاص دارد. مقصدلو می‌گوید: "تمام فیلم‌های نامداران هنر و فرهنگ ایران را با آگاهی به اینکه هزینه خود را در نمی‌آورند، با بودجه شخصی خود و برادرانم ساخته‌ام. برای من مهم بوده که ساخته شوند. یکجوری کار دل هستند. دلم می‌خواهد فرهنگ‌دوستانی که آن‌ها را می‌بینند، با کسانی که هنرشان را دوست دارم آشنا شوند." در فیلم مستند "نقاش لحظات اثری"، خانم درودی در یک گفت‌وگوی بلند، از افت و خیزهای زندگی خود می‌گوید. از سفر خانوادگی به اروپا در سال‌های کودکی، گریز از هنگامه جنگ جهانی دوم، یادگیری نقاشی در دوران تحصیل و سفر به فرانسه، عشق به ایران، مرگ خواهر، مرگ همسر، دیدار با "سالوادور دالی"، "ژان کوکتو"، "آنتونی کوئین" و "آندره مالرو" ... و این خاطرات را نقاشی‌ها و عکس‌های قدیمی تکمیل می‌کنند.

ایران درودی که امسال 73 سالگی را پشت سر می‌گذارد، در کاوشی ذهنی برای بیان خاطرات دور خود، به دانشکده هنرهای زیبای پاریس، "بوزار" می‌رود و از سال‌های HT ۱۹۵۴ تا 1958 می‌گوید: از تحصیل در رشته نقاشی و تلاش برای رسیدن به بیان TH هنر HT ویژه خود در آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های گوناگون؛ از کپی آثار کلاسیک در موزه لوور تا یادگیری چگونگی

درخشش رنگ در هنر ویترا در دانشکده سلطنتی بروکسل، و یادگیری کارگردانی و تهیه‌کنندگی برنامه‌های تلویزیونی در انیسیتوی آر.سی.آی نیویورک.

اینها خاطراتی است که نقاش نامدار ایرانی در خاطرات خودنوشته‌اش، "در فاصله دو نقطه" نیز شرح داده است.

در لابه‌لای خاطرات درودی، مدام دغدغه و گفت‌وگو از "مرگ" به میان کشیده می‌شود. زمان، نتوانسته اندوه هنرمند را از مرگ نزدیکانش التیام دهد. مرگ یکی از تم‌های اصلی فیلم تازه مقصودلو است.

ساختار فیلم "نقاش لحظات اثری" با کار قبلی فیلمساز تفاوت‌هایی دارد. مقصودلو در فیلم تازه خود، در قالبی گزارش‌گونه، تنها از روایت درودی و خودش استفاده کرده و اجازه داده نقاشی‌های هنرمند خود این دو روایت را تکمیل کنند، اما در مستند "احمد محمود، نویسنده انسانگرا"، از روایت نویسندگانی چون "ابراهیم یونسی"، "جواد مجابی"، "محمدعلی سپانلو"، "فرهنگ فرهی"، و "عباس پهلوان" نیز استفاده شده تا فیلم هم تنوع تصویری بیابد و هم تابلویی از احمد محمود بر اساس نگاه‌ها و خاطرات مختلف ساخته شود. در این فیلم اما کلام هنرمند نقاش که روی تابلوهایش کشیده می‌شود، خود زاویه‌های ناپیدایی از آنها و هم نقاش را در برابر چشم مخاطب می‌گشاید.

روایت‌های آشنا

بهمن مقصودلو تا به امروز با هدف حفظ خاطرات و تصویر هنرمندان و نویسندگان معاصر ایران، درباره زندگی هنرمندانی فیلم مستند ساخته که به گفته خودش رابطه نزدیکی با آنها داشته است. وی می‌گوید: "به این ترتیب نقطه قوت‌ها و حساسیت‌های هنرمندان مورد نظرم را می‌شناسم. می‌دانم چه چیزهایی آنها را غمگین یا خوشحال می‌کند. در نتیجه پیدا کردن محیطی که بتواند هنرمند را بهتر به مخاطب معرفی کند برایم آسان‌تر می‌شود. این‌طوری فیلم یک محور معنایی نیز پیدا می‌کند. مثل مرگ، عشق، هراس یا رنج."

این فیلمساز با افسوس و دریغ از اینکه درباره شاعرانی چون "نیمایوشیج"، "فروغ فرخزاد" و "سهراب سپهری" فیلم مستندی از زمان حیاتشان وجود ندارد، "ممنوع بودن تصویر و نقاشی در تفکر مذهبی"، و همچنین "سانسور دولتی" را از جمله دلایل فقر تصویری در کشور ایران می‌داند و توضیح می‌دهد: "در غرب، عکاسی، سینما و تلویزیون در ادامه قرن‌ها تجربه در حوزه هنرهای تصویری شکل گرفتند اما در کشور ما وقتی 170 سال پیش، عکاسی وارد ایران شد، این فن‌آوری، در خدمت دربار قاجار قرار گرفت. چون در متن فرهنگی ما به تصویر اهمیت چندانی داده نمی‌شد. در نتیجه هنگامی که تلویزیون ثابت پارسال در سال 1337 راه‌اندازی شد هنوز آنطور که باید اهمیت هنر عکاسی درک نشده بود. رسانه تلویزیون خیلی سریع در سال 1343 دولتی شد و به نام تلویزیون ملی ایران شروع به کار کرد و تعداد بسیاری از فیلمسازانی که سرمایه کافی برای تولید فیلم نداشتند شروع به همکاری با آن کردند و به این ترتیب مشکلی دیگر در این زمینه به‌وجود آمد." بسیاری از هنرمندان ایران، همواره در مقابل دولت موضعگیری کرده‌اند و کمتر تن به گفت‌وگو با رسانه‌های دولتی داده‌اند. مقصودلو که خود در سال‌های پیش از انقلاب در «تلویزیون ملی ایران» برنامه‌های سینمایی و هنری می‌ساخت، با روحیه و برخوردهای اینچنین هنرمندان آشناست و می‌گوید: "از دیرباز این موضعگیری وجود داشت. هنرمندان اگر هم در برابر دوربین تلویزیون ایران می‌نشستند یا دچار سانسور رسمی می‌شدند یا از هراس ساواک حرف‌های سربسته و پوشیده و استعاری می‌زدند. کمتر کسی هم بود که به دلیل مشکل بازگشت سرمایه، بدون وابستگی به نهادهای دولتی فیلم مستند بسازد. به همین دلیل ما فیلم مستندی از نویسندگان خود در مقطع دهه چهل و پنجاه نداریم."

به عقیده این فیلمساز 61 ساله ساکن امریکا، فیلمبرداری از نامداران و چهره‌های فرهنگی کشورمان فارغ از وجوه کیفی و هنری آن یک ضرورت است. او با اشاره به اینکه در 20 سال گذشته، مستندسازی در ایران با جهش روبه‌رو شده است، می‌گوید: "امکانات دیجیتال کمک کرده تا نگاه فردی علی‌رغم محدودیت‌های موجود قوت بگیرد. می‌بینیم که فیلمسازان جوان مدام در حال تماس گرفتن با جشنواره‌های مختلف بین‌المللی هستند و می‌خواهند کارشان دیده شود. جشنواره‌های بین‌المللی کنکور ورود فیلم‌های ما به بازار جهانی هستند. از این طریق است که تلویزیون‌ها علاقه‌مند می‌شوند تا برخی از آنها را خریداری کنند. در غیر این صورت می‌توانیم کار را با تمهیدات مختلف در اینترنت بگذاریم. به هر حال با توجه به مشکلات موجود، برای اینکه یک فیلم مستند جایگاه خود را نزد مخاطب پیدا بکند نیاز به گذشت زمان و صرف هزینه‌های مادی و غیر مادی دارد. چاره‌ای هم جز این نیست."

مستندسازی در برون‌مرز

بهمن مقصدلو چندسالی است دو فیلم مستند را در دست تهیه و کارگردانی دارد، یکی درباره "زندگی دکتر محمد مصدق" و دومی درباره "تاریخ سینمای ایران". او درباره مشکلات مستندسازی درباره ایران در خارج از کشور و اینکه اطلاعات لازم را چگونه تهیه می‌کند، می‌گوید: "در غرب وقتی شما تصمیم می‌گیرید درباره موضوعی فیلم بسازید در تحقیقات خود با انبوهی عکس و فیلم و سند روبه‌رو می‌شوید. در ایران اما سندها به دلایل مختلف یا از بین می‌روند، یا از دسترس دور نگه داشته می‌شوند، یا دسترسی به آنها دشوار است و ممکن نیست. از اینرو وقتی شما سراغ جمع‌آوری اطلاعات درباره موضوعی می‌روید مدام با مانع روبه‌رو می‌شوید. به این ترتیب مجموعه‌ای از مشکلاتی که هر کدام روی دیگری تاثیر می‌گذارد منجر به افت کیفی کار هنرمند می‌شود. نمی‌شود همه چیز را به گردن فیلمساز انداخت. این مشکلات برای فیلمسازی که در برون‌مرز فعالیت می‌کند دوچندان می‌شود."

این فیلمساز با اشاره به اینکه بسیاری از مستندسازان ایرانی، کمتر به کار تحقیقی اهمیت می‌دهند، می‌گوید: "فیلمساز نباید برای طیف محدودی فیلم بسازد و باید مخاطب جهانی را در نظر داشته باشد. برای رسیدن به این هدف هم فکر می‌کنم بیش از هر چیز به یک نگاه آزاد نیاز داریم تا بتوانیم نگاه عینی به مسائل داشته باشیم. اگرچه فیلمساز با مجموعه اطلاعات و تدوین کار، نقطه نظر خود را ارائه می‌دهد اما ما باید بگذاریم تا مجموعه اطلاعاتی که در فیلم ارائه می‌شود، اندیشه و حسی را به مخاطب منتقل کند نه پیش‌قضاوت‌های ما. قضاوت‌های تحمیلی به فیلم، مخاطب اثر را محدود و کار را ضعیف می‌کند."

در کارنامه هنری بهمن مقصدلو تا به امروز بیش از ده فیلم مستند و داستانی به عنوان تهیه‌کننده وجود دارد. او چند کتاب نیز به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته است به نام‌های: *اطلاعات عمومی* (با علیرضا تبریزی و حمید همتی، 1343)، *333 چهره درخشان* (در سه جلد با علیرضا تبریزی 1345)، *این سوی ذهن، آن سوی مردمک* (1378)، *آزادی و عشق در سینما* (1382)، *احمد شاملو: بزرگ شاعر آزادی* (فیلمنامه به فارسی و انگلیسی، 1387)، *تاریخ سینمای ایران* (به زبان انگلیسی، 1987)، و *علفزار* (به انگلیسی، 2009).

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2009/11/091125_na_sz_darroudi_maghsoodloo.shtml?s